

یادداشت

عمو نوروز جوان با انگشتانی سبز شونده و نغمه‌هایی پر از شگفتی

صبارادمان

«عمو نوروز» فیلمی افسانه‌ای است از اسطوره‌های ایران باستان؛ داستانی فانتزی و زیبا و لبریز از رئالیسم جادویی، یادآور سینمای کودک و نوجوان دهه ۶۰ و فیلم‌های کودک و نوجوانی همانند «گلنار»، «شهر موش‌ها» و... که این بار با فانتزی اسطوره‌ای همراه شده است. بهرام دهقانپار در مقام آهنگ‌ساز فیلم، بار دیگر استعدادهای شگفت‌انگیز خود را به نمایش می‌گذارد. استعدادهای نهفته‌ای که با مجموعه‌هایی مانند «خونه‌مادرزرگه»، «زی‌زی‌گولو»، «شهر موش‌ها»، «آقای حکایتی» و... شگفتی‌های خود را به معرض نمایش گذاشته و این بار در قامت جدیدی آمده، برای خلق موسیقی‌ای زیبا در دنیایی فانتزی و البته اسطوره‌ای.

دهقانپار، این‌بار نیز در فیلم «عمو نوروز» با بازی علی نصیریان موسیقی قابل اعتنا و درخوری آفرید. موسیقی‌ای که از فضای فانتزی فیلم بهره برده و در جای‌جای فیلم بر پرده نقره‌ای سینما، نقش بسته و بر تصاویر فیلم، خوش نشست‌ه است؛ موسیقی‌کودکی که شاید یادآور روزهای باشکوه سینمای کودک و نوجوان باشد.

موسیقی‌ای برای به تصویر کشیدن انگشتان کودکی که سبز می‌شود؛ انگشتانی یادآور داستان مشهور «تپستوی سبز انگشتی» که با انگشتان سبزشونده خود، بیمارستان و زندان و محله‌های کثیف و آلوده پرفضلاب شهر را به گلستان تبدیل می‌کرد.

اما این‌بار دهقانپار آمده‌تا با موسیقی فانتزی و زیبایی خود، پسرپچه‌ای را نشان دهد که قرار است ننه‌سرما را یافته و چلچله بهاری را رأس ساعت نوروز از قفسی یک‌ساله خود آزاد کرده و به پرواز درآورد تا بهاری سرسبز، زمین را فراگیرد. ارکستر با نوای مقطع پیانو و آکورد‌های جذاب و تأثیرگذارش، با پسرپچه (نامی) همراه می‌شود تا بتواند به نمایندگی از عمو نوروز، بهار را نجات دهد.

نوای سازها با ملودی زیبا، در آسمان چرخیده و نُت‌های موسیقی به رقص درمی‌آیند تا شکوه نوروز باستانی را برای کودک و نوجوان به نمایش درآورد.

ساز بادی واردشده و یک ملودی لبالب از لبخند می‌نوازد؛ اما ناگهان، اهریمن جادویی سرما با نوای سخت سازهای الکترونیک وارد شده و تلاش فراوان اهریمن سیاه دیوصورت را با همراهی سازهای زهی به تصویر درمی‌آورد؛ اما دراین‌میان عمو نوروز به نامی (پسرپچه) می‌گوید وقتی به دشت آرزوها رسیدی، نیت کن برای بهار و بخواه برای بهترین اتفاقات و آرزوهایت.

نغمه‌های دل‌انگیز ارکستر، بار دیگر با همراهی ویلن و پیانو اوج می‌گیرد. تا نشانی باشد از خلاقیت آهنگ‌سازش در بهره‌بردن از موسیقی‌ها و سازبندی‌های گوناگون.

اتفاقی که در کمتر فیلم‌ها شاهد آن هستیم؛ چراکه می‌بینیم در بیشتر فیلم‌ها، استفاده آهنگ‌سازان از سمپل (استفاده از رایانه برای اجرای موسیقی به‌جای ساز و نوازنده) و تنها یکی، دو ساز مشخص با ملودی‌های تکراری، فضایی خسته‌کننده و کلافگی مخاطب را به دنبال دارد؛ اما در اینجا موسیقی تنوع بسیار دارد. از موسیقی‌ها و ملودی‌های اصیل ایرانی گرفته تا موسیقی فولکلور و تا موسیقی‌های پاپ چندین دهه گذشته و تا رپ‌خوانی، هرکدام براساس اتفاقات و صحنه‌های داستانی در فضای فیلم جای گرفته است.



آن‌گونه که رپ‌خوانی نامی و دابی و... برای رقتن به کوه دماوند و نجات بهار با همراهی سازهای بادی و الکترونیک، همان‌قدر بر فیلم می‌نشیند که آواز خوش‌طین «علی نصیریان» با همراهی زخمه‌های دل‌انگیز ساز، در دشت و چمن و باغ‌های بهاری در ابتدای فیلم.

نامی و دابی، برای رسیدن به ننه سرما و آزادی چلچله بهاری، به سفره‌خانه‌ای می‌رسند که «حاجی فیروز اصلی» در آنجاست. در اینجا، بار دیگر، موسیقی تغییر شکل داده و فضای سفره‌خانه را با خواننده‌ای (از قضا همان حاجی فیروز اصلی است) که موسیقی پاپ قدیمی «لب کارون» را با شعر جدیدی که مناسب اتفاقات فیلم می‌خواند، به نمایش می‌گذارد. اگرچه بار دیگر سازهای زهی و بادی به آرامی وارد شده و به الکترونیک و افکت‌های صوتی‌ای می‌پیوندند که برای حاجی فیروز و تصمیمش برای همراهی‌نکردن با «نامی» می‌نوازند. آوای سازهای بادی به بدرفه دایسی آرش و نامی می‌آیند تا کمی بعد در قالب نوای سازهای بادی و ویلن برای «ننه سرما» که دلش می‌خواهد «طراوت» باشد، ظهور کنند.

دراین‌میان نغمه‌های موسیقی‌های محلی و شعرهای محلی فولکلور، فضایی دلنشین برای مخاطب به ارمغان می‌آورد. نغمه‌هایی شنیدنی برای شادمانی آمدن «نامی»‌ای که قرار است به‌جای عمو نوروز، بهار را به همه سرزمین‌هایی بیاورد که نوروز باستانی را جشن می‌گیرند. اگرچه آهنگ‌ساز و مؤلف فیلم، با هوشمندی، فضای موسیقیایی سخت و سنگین جادوی سرما را نیز از یاد نبرده و به‌طور متناوب در زمینه داستان فیلم، آواهای سخت سازهای الکترونیک با افکت‌های مناسب را نیز شاهدیم. اندکی دیگر می‌گذرد و به نیمه پایانی می‌رسیم؛ جایی که قرار است همه کودکان داستان (از هر قوم و کشور و قبیله‌ای) با نوای ارکسترال، به کمک نوروز و بهار و البته نامی بشتابند. نغمه‌های شنیدنی ارکستر با دستان در هم گره‌خورده کودکان اوج می‌گیرد.

آکورد‌های پیانو با ملودی زیبای ارکستر در هم تنیده می‌شود تا دوران خوب سینمای کودک را یادآور شود. اکنون، بار دیگر انگشتان سبزشونده نامی با نوای موسیقی‌ای فانتزی، قفس چلچله را پر از سبزی می‌کند تا ننه سرما به آرزوی دیرین خود دست یافته و به «طراوت خانی» تبدیل شود که به وصال عمو نوروز می‌رسد.

پس اینجاست که باید نوای موسیقی مشهور تحویل سال، زده شود تا عمو نوروز به دیدار معشوق دیرینش برسد. دیگر همه چیز مهیا شده و تنها برای یک ساز و آوازی شگفت‌انگیز. نوای دل‌انگیز زخمه‌های سازی به‌یادماندنی و آوازی زیبا با صدای «علی نصیریان».

این‌بار بحث اختلاف بین صاحبان آثار و سینماداران است؛ اختلافی که ظاهرا ریشه‌دار است و جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینما به‌تازگی به سهم سینماداران از مبلغی که از فروش فیلم در گیشه به دست می‌آورد، واکنش نشان داده‌اند. معمولاً نیمی از فروش فیلم در گیشه سهم سینمادار می‌شود و ۱۰ درصد از فروش فیلم به پخش‌کننده می‌رسد و مابقی سهم صاحب اثر می‌شود. حال اعتراض صاحبان آثار به مبلغی است که سینماداران از فروش فیلم در گیشه بابت هزینه‌های جانبی سینما از صاحب فیلم کم می‌کنند.

«یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک سینمای پویا، معدل سالانه ارکان عمومی از حیث تنوع ژانر، توزیع عادلانه منابع، گردش اقتصادی و تعداد مخاطب به‌شمار می‌رود که بحمدالله به حسن تدبیر و وقوف یک نگاه کلان‌نگر، سال گذشته را می‌توان سالی موفق در ارکان عمومی قلمداد کرد. واضح و مبهرن است که یکی از عوامل مهم در دستیابی به این نتایج قابل‌اعتنا را می‌توان حسن همکاری و درک صحیح از شرایط و مقتضیات روز سینما در یک گذار تعاملی بین ارکان اصلی ارکان، یعنی تهیه‌کنندگان و سینماداران و حمایت سازمان سینمایی تعریف کرد؛ چراکه رونق ارکان، ضامن چرخه مستمر تولید است و پایداری امنیت شغلی یکی از دستاوردهای این فرایند به‌شمار خواهد رفت. پس لاجرم حفظ و صیانت از حقوق منتفعین بلاواسطه از ارکان (تهیه‌کنندگان و سینماداران) از مهم‌ترین تکالیف ذاتی تمامی دست‌اندرکاران سینما، نهادهای صنفی و در یک کلام متولیان سینمای ایران خواهد بود. در همین راستا و به جهت رفع برخی شبهات، اختلافات و رویه‌های غلط در نحوه تقسیم فروش هر فیلم، لازم است تأکید نماییم آنچه تهیه‌کننده یا مالکان فیلم از فروش هر فیلم به‌عنوان قدرالسهم، عایدی خواهند داشت، ۵۰ درصد جمع کل فروش فیلم بوده و کسر هرگونه مبالغ اضافی تحت هر عنوان اعم از حق الطّب، انعام و... فاقد وجاهت قانونی و عرفی بوده و به‌قطع موجب تضییع حقوق مالکان فیلم می‌گردد.

درخصوص مسئله مالیات بر ارزش افزوده نیز ضروری است به جهت تنویر افکار همکاران تهیه‌کننده و سینمادار و ایضا اصلاح رویه غیرقانونی فعلی، تأکید مؤکد نماییم که صرف‌نظر از اینکه سهم مالیاتی مذکور مطابق قانون باید از خریدار اخذ گردد، باین‌حال در صورت عدم دریافت از خریدار بلیت، می‌بایست باالمناصفه (به میزان مساوی) از محل فروش فیلم بین تهیه‌کننده و سینمادار تقسیم و سپس کسر گردد. لذا انتظار می‌رود تمامی دست‌اندرکاران فرایند ارکان ضمن توجه به حق الناس و حقوق اشخاص، با تغییر فرایند غلط فعلی، چنین اقدام و استیفای ناروایی را متوقف کرده و خاتمه دهند. امیدواریم با حمایت آحاد تهیه‌کنندگان و سینماداران و همچنین همت و انسجام صنفی در سینمای



بهناز شیربانی

ایران، بتوانیم در جهت برقراری عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق تمامی همکاران، گام‌های مؤثر و جدی‌تری برداریم».
جامعه صنفی تهیه‌کنندگان به‌تازگی این بیانیه را در جهت رفع برخی شبهات، اختلافات و رویه‌های غلط در نحوه تقسیم فروش هر فیلم منتشر کرده است.

آیا این عدالت است؟

علی اکبر ثقفی، تهیه‌کننده و کارگردان باسابقه سینما، در ارتباط با انتشار این بیانیه و چگونگی تعامل با سینماداران به «شرق» گفت: «فکر می‌کنم زمان درستی این بیانیه منتشر شد و صاحبان آثار باید واکنش درستی به این موضوع نشان می‌دادند. وقتی سهم سینمادار، بخش‌کننده و صاحبان آثار را در فروش یک فیلم ارزیابی می‌کنیم، متوجه می‌شویم اگر سایر هزینه‌های جاری سینما هم از صاحب اثر کم شود، عملاً دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. چرا مالیات یا ارزش افزوده باید از صاحب فیلم کم شود؟ سینمادار نباید چنین هزینه‌ای بپردازد؟ چرا باید یک درصد انعام از صاحب فیلم کم شود؟ یا دو درصد از فروش بلیت برای پرداخت حقوق کارمندان سینما از ما تهیه‌کنندگان کم می‌شود. هزینه تمامی تبلیغات فیلم بر عهده صاحبان فیلم است و حال سینمادار هم هزینه‌ای را بابت تبلیغ فیلم در سینماهایش از صاحب اثر می‌گیرد. آیا این عدالت است؟ در این میان فیلم‌هایی که کم‌فروش هستند، بیشتر ضرر می‌کنند».

تهیه‌کننده «همه چیز برای فروش» در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فکر می‌کنم زمان این رسیده که با یک بینش و رفتار درست به این شرایط کمی سامان بدهیم و به تعادلی در ارکان برسیم».

او ادامه داد: «همان‌طورکه جدول فروش فیلم‌ها نشان می‌دهد، در یک ماه ابتدایی سال جز یکی، دو فیلم، باقی فیلم‌های ارکان‌شده فروش چندانی در گیشه ندارند. وقتی به فیلم‌های ارگانی و فروش‌شان در گیشه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که استقبال مخاطب از آنها چشمگیر نیست. فیلم‌هایی که توسط بخش خصوصی یا با حمایت بنیاد فارابی تولید شده‌اند نیز به نوعی در ارکان ضرر کردند و تنها دو فیلم پرفروش در صدر فهرست ارکان‌ها داریم. طبیعی

برپسا مقتدی، مدیر تماشاخانه سنگلج:

اگر با موضوع توسعه تماشاخانه به هر دلیل همراهی نمی‌کنید، جان سنگلج را به خطر نیندازید

وزیر داشته‌اند. با دفتر طرح‌های عمرانی وزارتخانه، جناب آقای جان‌نثار و همکارانشان، مهندس توکلیان گفت‌وگو کردیم که دیدار حضوری از پروژه داشته‌و با مهندسان آن پروژه نیز صحبت کردند. متأسفانه این‌طور به گوش ما رسید که ۲۰ متر هم می‌خواهند پایه‌ریزی کنند. هرچند مهندسان دفتر طرح و برنامه معتقد بودند که اگر دقت لازم در این تخریب و پی‌ریزی بشنود، مشکلی پیش نمی‌آید اما آنها هم به سهم خودشان نگرانی‌هایی داشتند. به‌هر حال ۳۰ سال از ساخت آن ساختمان می‌گذرد و به نوعی این دو ساختمان در گذر زمان به هم تکیه داده‌اند».



مدیر تماشاخانه سنگلج، برپسا مقتدی، دربارۀ پیگیری‌های روزهای گذشته توضیح داد:

«طی روزهای گذشته مجدداً به آقای نادعلی، رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر و مدیرکل هنرهای نمایشی اطلاع دادیم. عکس و فیلم‌هایی را تهیه کردیم و طی نامه‌نگاری‌هایی که انجام داده‌ایم، اعلام نگرانی کردیم که این تخریب دارد صورت می‌گیرد. در جریان هستیم که مدیرکل محترم نیز مکاتباتی با



عکس: اصغر خسته‌آزاد

نگاهی به بیانیه اخیر جامعه صنفی تهیه‌کنندگان در جهت رفع برخی شبهات در نحوه تقسیم فروش فیلم

دخل و خرج نابرابر سینما

است که با یک گل بهار نمی‌شود. چیزی که به آن نیاز داریم، عدالت در ارکان است. وقتی عدالت رعایت نشود، هر روز نوبت به یک فیلم می‌رسد که قربانی ناعدالتی شود. قانون باید برای تمامی فیلم‌ها یکسان رعایت شود».
ثقفی ادامه داد: «می‌بینیم که در ارکان فیلمی پرفروش، سانس‌های زیادی به آن تعلق می‌گیرد و فیلمی که مخاطب چندانی ندارد، چرخشی روزی یک سانس دارد. قطعاً این ناعدالتی است. البته حرف سینمادار در این شرایط هم این است سالتی را که ۵۰۰ یا ۳۰۰ نفر ظرفیت دارد، نمی‌تواند به فیلمی که تماشاکر کمی دارد، اختصاص بدهد. ولی من معتقدم در این شرایط هم می‌تواند هر روز یک سالن کوچک را به چنین فیلمی اختصاص بدهد، نه اینکه کلاً فیلم را نادیده بگیرد. باید باور کنیم سینماداران در تبلیغ و جذب مخاطب به سینما تأثیرگذار هستند. معمولاً وقتی فیلمی در گیشه موفق عمل می‌کند، تمامی تبلیغات سینما به همان فیلم تعلق می‌گیرد و چیزی از فیلم‌های دیگر در تبلیغات سینما نمی‌بینیم یا آن‌قدر تبلیغات جزئی و کوچک هستند که بود و نبودشان به چشم نمی‌آید. به زعم من، سینمادار دنبال این است که صندلی‌هایش را پر کند و در محدود سینمادارانی می‌توان این رویجه را دید که صرف علاقه‌مندی به سینما از فیلم‌های خاص و مهجور حمایت کنند. در نهایت معتقدم بیانیه اخیر جامعه صنفی تهیه‌کنندگان از منافع بحق صاحبان فیلم‌ها حمایت می‌کند».

نیازمند قرارداد و صورت‌حساب تیپ هستیم

سعید خانی، تهیه‌کننده، سینمادار و پخش‌کننده سینما نیز در این رابطه به «شرق» گفت: «سال‌های زیادی بسیاری از امور مربوط در سینما، سنتی پیش رفته و به مرور تکنولوژی وارد بخش‌هایی از سینما شده است. در سال‌های اخیر بحث فروش گیشه با ورود سامانه‌هایی مثل سفا و... روند بهتر پیدا کرده است، اما باز نیاز داریم که همه چیز روال منطقی‌تری پیدا کند».

او ادامه داد: «سال گذشته برای سینماداران سال پررونقی به لحاظ فروش فیلم در گیشه بود و مدت‌هاست درباره قرارداد و صورت‌حساب تیپ در سینما صحبت می‌شود و اگر این دو مورد به سرانجام برسد، تنها ارزش افزوده و پاداش پرسنل از درصد فروش کم می‌شود. البته این روزها برخی از سینماداران کم‌طفی می‌کنند و هزینه‌هایی از صاحب فیلم کم می‌کنند که به نظر من تا حد زیادی درست نیست».
تهیه‌کننده فیلم سینمایی «من»، در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اگر تعامل بهتری بین سینمادار و پخش‌کننده صورت بگیرد و فیلم‌ها هم شرایط خوبی در ارکان داشته باشند، قطعاً منافع تهیه‌کننده حفظ خواهد شد».

حضور ۳ فیلم کانون در جشنواره بین‌المللی کودکان لکنوی‌هند

«اقیانوس پشت پنجره» به کارگردانی بابک نبی‌زاده در بخش رقابتی فیلم‌های بلند و پویانمایی‌های کوتاه «ده‌سالگی» ساخته فاطمه ععفری و «جایگزین» اثر عبدالله علیمیراد در بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه انیمیشن پذیرفته شده است. این جشنواره یکی به‌خصوص شهردار محترم منطقه ۱۲ و شهردار محترم تهران جناب زاکانی است که اگر با موضوع توسعه تماشاخانه و الحاق این ساختمان و زمین کناری به هر دلیلی همراهی نمی‌کنند، خواش می‌کنم، عاجزانه خواهش می‌کنم که جان سنگلج را به خطر نیندازند. جان این تماشاخانه قدیمی و خاستگاه نمایش ایرانی را به خطر نیندازند».

اخبار برگزیده

نمایش یک فیلم‌تئاتر و مستند «فراتر از آرمان‌شهر» در خانه هنرمندان

شرق: هشتمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش فیلم تئاتر «رزنگراتز و گیلدنسترن مرده‌اند» اختصاص دارد. فیلم تئاتر «رزنگراتز و گیلدنسترن مرده‌اند» به نویسندگی تام استوپارد و کارگردانی دیوید یوآکس و تیمون سامرن محصول سال ۲۰۱۷ چهارشنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۳ ساعت ۱۷:۰۰ در سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. پس از نمایش این فیلم‌تئاتر نشست نقد و بررسی آن با حضور عباس غفاری میزبان و محسن خیمه‌دوز منتقد تئاتر برگزار می‌شود. «رزنگراتز و گیلدنسترن مرده‌اند» نوشته تام استوپارد نخستین‌بار در سال ۱۹۶۶ منتشر شد. این اثر، یکی از ماندگارترین و اجرانشده‌ترین نمایش‌نامه‌ها در تئاتر معاصر است و توانسته به جایگاهی ثابت در میان برترین آثار نمایشی دست یابد. این شاهکار مدرن، در دنیای نمایش‌نامه «هملت» اثر شکسپیر می‌گذرد اما توسط شخصیت‌هایی سردرگم و مستأصل روایت می‌شود که در داستان اصلی شکسپیر، کاراکترهایی فرعی بودند. روزنگراتز و گیلدنسترن در این اثر به‌یادماندنی بالاخره فرصت پیدا می‌کنند تا نقش اصلی را بر عهده بگیرند اما باید این کار را در جهانی به انجام برسانند که بسیار یادآور نمایش‌نامه «در انتظار گودو» اثر ساموئل بکت است؛ در جهانی که واقعیت و وهم در هم می‌آمیزد و سرنوشت، دو قهرمان داستان را به‌سوی پایانی تراژیک اما غیرقابل اجتناب هدایت می‌کند.

همچنین مستند «فراتر از آرمان‌شهر» به کارگردانی مادلین گاوین بکشنبه دوم اردیبهشت ۱۴۰۳ ساعت ۱۷:۰۰ در سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. پس از نمایش مستند، نشست نقد و بررسی با حضور نیما عباس‌پور برگزار می‌شود. مستند «فراتر از آرمان‌شهر» تلاش‌های ساکنان کره شمالی برای فرار از آن کشور را به‌وضوح به تصویر کشیده است. این مستند با استفاده از تصاویر گرفته‌شده از طریق گوشی‌های تلفن همراه برای ارائه نگاهی نادر به کره شمالی و مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، ساخته شده است.

این مستند تلاش‌های کشیشی به نام کیم سونگکون برای کمک به فراریان از کره شمالی و انتقال آنان به کره جنوبی از طریق چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا را به تصویر کشیده است. مستند «فراتر از آرمان‌شهر» دو داستان اصلی را دنبال می‌کند؛ نخست تلاش خانواده روه برای فرار و دیگری تلاش یک فراری در کره جنوبی برای نجات پسرش از کره شمالی.

حضور ۳ فیلم کانون در جشنواره بین‌المللی کودکان لکنوی‌هند

«اقیانوس پشت پنجره» به کارگردانی بابک نبی‌زاده در بخش رقابتی فیلم‌های بلند و پویانمایی‌های کوتاه «ده‌سالگی» ساخته فاطمه ععفری و «جایگزین» اثر عبدالله علیمیراد در بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه انیمیشن پذیرفته شده است. این جشنواره یکی به‌مخاطب‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی فیلم‌های کودکان در هند است که در هر دوره میزبان بیش از ده‌ها هزار کودک از مراکز و مهدکودک‌های مختلف ایالت اوتار پرداش هندوستان است.

هدف از برگزاری این جشنواره در این سطح از حضور بچه‌ها فراهم‌آوردن بستری مشترک برای تهیه‌کنندگان و سازندگان فیلم‌های کودک است تا دیدگاه‌های خود را برای رشد و بالابردن مناسب ظرفیت‌های کودکان از طریق تماشای فیلم‌های آموزشی معنادار بیان کنند و نیز برای ترویج و اشاعه دوستی و همکاری بین مردم جهان گام بردارند.

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان لکنو هند از ۲۷ فروردین تا دوم اردیبهشت ۱۴۰۳ (۱۵) تا ۲۱ آوریل (۲۰۲۴) در شهر لاکنو کشور هند در حال برگزاری است.